



۲۰۱۳/۵/۲۴

کانديد اکادمسين سيستاني

"افغانستانی" گفتن، ضدیت با هویت ملی است

آقای ولی احمد نوری با عنوان کردن مقاله بسیار مستدل و منطقی «استعمال نام افغانستانی جرم است» یک بار دیگر خاطرات مبارزات جدی علیه این اصطلاح وارداتی را در خاطر زنده کرد. سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ سال های اوج به کارگیری این اصطلاح در رسانه های برون مرزی وابسته به استخبارات منطقه بود، و پورتال افغان جرمن آنلاين و برخی سایت های ملیگرای دیگر دست به یک قیام فرهنگی بر ضد این اصطلاح وارداتی زدند. از آنطرف جریده امید از امریکا مبلغ و مدافع این اصطلاح و چند کلمه نامقبول و نامانوس دیگر بود.

یکی از دشمنان نام افغان و افغانستان که برای نابودی و تجزیه کشور همانند لطیف پدram شب و روز تلاش می ورزد و مطابق دستور دشمنان وطن، وارد معرکه شده است، کسی است بنام داکتر لعلزاد مقیم لندن، که منکر تاریخ تأسیس کشور افغانستان توسط احمد شاه ابدالی در ۱۷۴۷ می باشد و ظهور و وجود فزینی افغانستان را قیل از امیر عبدالرحمن خان به رسمیت نمی شناسد. این شخص که گفته می شود از اتحاد شوروی در رشته زغال سنگ داکتری بدست آورده، و امروز در لندن به برخی از اعضای منفعل حزب دیموکراتیک افغانستان درس تاریخ می دهد، از مدتی است که به دستور سرویس های استخبارات منطقه هرچند گاهی یک بار چرندیاتی سرهم بندی می کند و به خورد جوانان و نسل مهاجر می دهد. بدبختانه در این اواخر سخنرانی های تهوع آور وی در یوتیوب نیز گذاشته شده است که در آن تعداد زیادی از اعضای پرچم و شورای نظار در پای صحبت او نشسته اند و در آن جمله متأسفانه پوهاند سید سعدالدین هاشمی سابق استاد تاریخ پوهنتون کابل در صف اول نیز دیده می شود که به لاطایلات داکتر لعلزاد مثل یک شاگرد سربراه دبستان گوش می دهد. من چند سال قیل این لاطایلات را در سایت آریایی دیدم ولی از بس نابجا و بی منطق و به اصطلاح ایرانی ها، از موضوع پرت بود که بیش از یکی دو صفحه آن را خوانده نتوانستم، ولی امروز همان لاطایلات به عنوان تیزس های ده گانه داکتر لعلزاد از طریق یوتیوب به خورد جوانان ناآگاه داده می شود.

دوستی که خود صاحب قلم و صاحب اندیشه ملی است و به خاطر یکپارچگی افغانستان جان می دهد دیروز به من در تلفون متذکر شد:

آیا از سخنرانی داکتر لعلزاد در لندن خبر دارید یا خیر؟
گفتم نخیر.

گفت: افغان هایی که به وحدت ملی و افغانستان واحد اعتقاد دارند، باید از توطئه دشمنان وطن در وجود داکتر لعلزاد و امثال او مطلع شوند، زیرا سخنان وی در یوتیوب، مبین تفرقه اندازی و تجزیه افغانستان است. گفتم متأسفانه روشنفکران بی خاصیت و ابن الوقت و اجیر بیگانگان در خارج و داخل کشور زیاد اند که همیشه در فکر منافع شخصی خود اند، برای آنها وطن و استقلال و حاکمیت ملی اهمیت و ارزشی ندارد، اما مطمئن باشید که آنها هرگز به این آرزوی پلید و شوم خود نخواهند رسید.

آنطور که من احساس کرده ام، از وقتی که رژیم طالبان توسط بمباران قوای امریکا و ائتلاف بین المللی از صحنه افغانستان سقوط داده شد و بجای آن حکومت ائتلاف شمال به ریاست یک نفر پشتون (حامد کرزی) روی کار آمد، این پشتون بیچاره به خاطر همزبانی با طالب بدبخت و بیسواد، بلاوقفه و پیوسته مورد شدید ترین انتقادات و بدترین توهین ها قرار گرفته و می گیرد. این انتقادات و توهین کردن ها، نه بخاطر اینکه کرزی درایت و شجاعت کشورداری ندارد، بلکه بخاطر انتساب او به قوم پشتون صورت می گیرد و چون طالبان از خود خاطره بدی در اذهان مردم شهری گذاشته اند، لهذا برای تحقیر کردن وی، او را یکی از طالبان و بالنتیجه دشمن جدی فرهنگ و حقوق زنان وانمود می کنند. هدف همه انتقادات و تاخت و تازها بر او در مجموع قوم پشتون است.

در هر مقاله و هر سخنرانی و هر مصاحبه ای که گروه تجزیه طلب خراسان خواه انتی افغان و انتی افغانستان به نشر می سپارند، ممکن نیست که در آنها کلمات و اصطلاحات: فرهنگ ستیزان، قبیله گرایان، قبیله سالاران، فاشیستان، عظمت طالبان، وطن فروشان، خاینان، نوکران انگلیس، اجیران بیگانه، غارتگران دارائی مردم،

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

حاکمان غاصب، باباهای جاهل و مادران و اناهای بیسواد و غیره و غیره به چشم نخورد. هدف از کاربرد تمام این کلمات، یک چیز است و آن **توهین به پشتون ها** است.

در تمام نشرات کتبی و انترنتی و رادیویی و تلویزیونی گروه انتی پشتون، سخنرانی و مقاله ای نیست که در آن به آدرس پشتون ها توهین و هتک حرمت صورت نگرفته باشد و به افتخارات تاریخی و رجال و شخصیت های ملی پشتون بی عزتی و توهین نشده باشد، اما نویسندگان نامدار پشتون بر بلندی خیر نشسته اند و جوابی به این همه تعرضات و استهزاها نمی دهند. من نمی دانم اینها در برابر نسل جوان پشتون که در سی سال اخیر در وطن مانده و از درس و تعلیم محروم بوده اند و یا از وطن مهاجر شده و از افتخارات ملی خود و گذشته های تاریخی کشور خود اطلاعی دقیق ندارند، احساس مسئولیت میکنند یا خیر؟

نخستین کسی که مقاله کوبنده ای در افشای چهره های اصلی گروه تفرقه انداز "افغانستانی" مآب نوشت و در تاریخ ۱/۱/۲۰۰۴ در پورتال "افغان جرمن آنلاین" گذاشت، جناب ولی احمد نوری بود. به تاسی از ایشان، آقایان داکتر میرعبدالرحیم عزیز، نعیم بارز، انجنیر خلیل الله معروفی، ملالی موسی نظام، داکتر سید خلیل الله هاشمیان، عبدالعلی افضل، حمید انوری، بشیر مؤمن، آصف خواتی، حبیب الله غمخور، رؤوف روشنائی، اعظم سیستانی، داود موسی و چند تای دیگر، چون سپر بلاگردان در مقابل حملات توهین آمیز این گروه که در پشت سایت های انترنتی: "سرنوشت"، "خاوران"، "آریانانت"، "تاجک میدیا"، "هفته نامه امید" و جریده "کاروان" و غیره سایت ها و تلویزون ها پیدا یا پنهان شده اند، مردانه ایستاده شدند و تا آنجا که در توان داشتند با نوشتن مقالات مستدل و مستند به جواب شان پرداخته اند و تمام سخنان تحقیر آمیز و پر از توهین آنها را بجان خریده اند.

آن عده از نویسندگان پشتون که با سیاست غلط "بی اعتنائی بزرگ منشانه"، تصور می کنند با نوشتن جواب معقول و منطقی به گروه انتی افغان و انتی افغانستان، میادا سران شورای نظار و رهبران ائتلاف غیر ملی از ایشان آزرده خاطر شوند، باید بدانند که اشتباه می کنند و هیچگاه سران شورای نظار و ائتلاف شمال آنها را بچشم احترام نخواهند دید و هر وقت فرصت بیابند، آنها را نیز مانند حامد کرزی ملعبه چرندیات و اتهامات ناروای خود قرار خواهند داد. نویسنده ای که به دفاع از حیثیت تاریخی و هویت ملی و شئون فرهنگی خود متعهد نباشد، به نظر من سوداگر سیاسی ای بیش نیست که با نام و هویت قومی خود معامله می کند.

قلم بدستان میهن دوست!

باید به یاوه سرایان ضد افغان و ضد نام افغانستان که در واقع ضد وحدت ملی اند، همانند آقای ولی نوری، آقای داود موسی، میرمن ملالی نظام، انجنیر معروفی و حمید انوری و غیره با احساس وطن پرستی مقالات جامع، مستدل، مستند و تحلیلی نوشت و برای نوشتن آن وقت بیشتر و دقت و توجه بیشتر صرف کرد و با سلاح منطق و استدلال علمی مبتنی بر شواهد تاریخی به جنگ جواسیس تفرقه انداز رفت و به اجیران تجزیه طلب گت که: پشتون ها مثل هر باشنده دیگر این کشور، خود را افغان می دانند و در این مملکت حق زندگی و حق کار و حق نظر و حق انتخاب دارند.

پشتون ها مثل هر قوم دیگر این کشور در دفاع از نوامیس ملی قربانی داده و رنج و محنت دیده اند. پشتون ها در شش قرن اخیر، نقش بسیار ارزنده ای در تاریخ مبارزات مردم منطقه بازی کرده اند. این پشتون ها بودند که با کمک سایر اقوام استقلال ملی خود را از زیر سلطه جابرائله صفویان اعلان نمودند (۱۷۰۹م) تأسیس دولت معاصر افغانستان در ۱۷۴۷ میلادی، به رهبری احمد شاه ابدالی، نیز حاصل و پیامد مبارزات دیرینه پشتون های ابدالی در هرات بر ضد سلطه استبدادی صفویان بود که از ۱۷۱۶ میلادی تا مرگ نادر افشار در ۱۷۴۷ میلادی سلاح بر زمین نگذاشته بودند. و با مرگ این فاتح مستبد، اولین ملتی که طبل استقلال به نوا در آورد و به تأسیس دولت مستقل ملی مبارزت ورزید، افغان ها در قندهار بودند که با وجود تجاوزات مکرر استعمار و دسپایس دشمنان در کمین نشسته تا هنوز چون خار مغیلان در چشم دشمنان خلیده و به حیات خود ادامه می دهد و بعد از این نیز پاینده خواهد بود.

با وصف آنکه، در هنگام تعرض و تجاوز بیگانگان بر این کشور، پشتون ها هدف اصلی ضربت تجاوزگران و هم مرکز ثقل مقاومت برضد متجاوزان بوده اند و بنابراین فراوان قربانی داده اند و با شجاعت و از جان گذشتگی دشمن را از وطن طرد نموده اند، مگر هیچوقت خود را برتر از دیگر هموطنان خود نشمرده و در دست آوردهای خود دیگران را نیز شریک ساخته اند. چنانکه اگر شاه پشتون بوده، صدراعظم یا وکیل مقام سلطنت و سرمنشی

دربار سید یا تاجیک یا قزل باش بوده است و اگر رئیس جمهور پشتون بوده، معاونانش تاجیک و هزاره بوده اند و اگر وزیر پشتون بوده، حتماً معین و مدیر قلم مخصوص وی تاجیک بوده اند. اگر والی پشتون بوده، مقام مستوفیت از تاجیک و دیگر اقوام بوده است. معهداً اگر از سوی ارگان های دولت ظلم و ستمی بر مردم رفته باشد، آن ستم بر همه اقوام تطبیق شده و قوم پشتون از آن ستم مستثنی نبوده است. اگر از فقر رنج برده اند، این فقر در میان قوم پشتون بیشتر شیوع داشته است و اکنون هم دارد. و اگر در امر احداث جاده ها و خطوط ارتباطی دستوری صادر شده، همه مردم از درد بیگاری و کار مجانی و بی مزد احساس رنج و نارضایتی کرده اند. اگر در مناطق پشتون مکتبی تأسیس شده، قبل از آن در مناطق غیر پشتون نیز چنین مکاتبی بنیاد یافته و فرزندان شان شامل مکتب شده اند. دروازه مکاتب همواره بروی فرزندان تاجیک و فارسیوان و ازبک و هزاره و هندو و غیره باز بوده است.

می توان گفت که با وجود قدرت دولتی در دست پشتون ها، بیشترین افراد این قوم بی سواد مانده اند و بطور نمونه حتی تحصیل یافتگان ده ولایت پشتو زبان مثل: فراه، هلمند، کندهار، زابل، روزگان، پکتیکا، پکتیا، خوست و لوگر و میدان وردک، در کشورهای غربی نمی تواند با تعداد تحصیل یافتگان ولسوالی پنجشیر در ایالات متحده آمریکا در عهد سلطنت ظاهرشاهی برابری کند. پس در کجا برای قوم پشتون امتیازات فوق العاده ای میسر شده که برای دیگر اقوام و از جمله برای تاجیکان میسر نبوده است؟

در تقسیم بورس های تحصیلات عالی، در کل سهم فرزندان تاجیک و فارسی بان، از این بورس ها همواره بیشتر از پشتون ها بوده است، و هیچوقت پشتونها این اعتراض را نکرده اند که آنها دارای اکثریت اند، باید اکثریت این بورس ها به پشتون ها تعلق داشته باشد. اینکار اگر از یکطرف بیانگر عدم تعصب پشتون ها در مقابل غیر پشتون هاست، بیانگر غفلت بزرگان پشتون در حق فرزندان خود شان نیز می باشد. خلاصه در خوشبختی و بدبختی این کشور، پشتون و تاجیک به عنوان دو قوم عمده مسئولیت و سهم مشترک داشته و دارند و نباید اکنون گناه این همه بدبختی و عقب ماندگی را بردوش یک طرف گذاشت.

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ